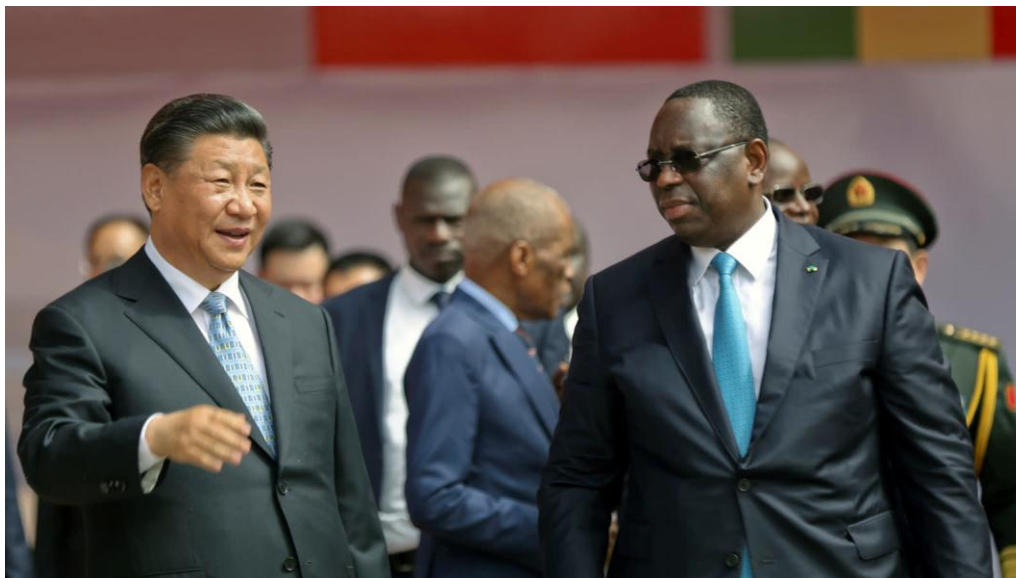


بسم الله الرحمن الرحيم

چین در افریقا؛ انگیزه و فرجام‌اش!



(ترجمه)

به روزهای 3 و 5 سپتمبر 2018م اجلاس چینی-افریقائی به نام همایش تعاون چینی-افریقائی (فوکاک) به اشتراک 53 کشور افریقائی در "پیکینگ" برگزار گردید. "شی جین پینگ" رئیس جمهور چین کمک مالی جدید 60 میلیارد دلاری را برای افریقا، بخشش بخشی از دیون کشورهای بیش تر فقیر این قاره و ادامهٔ کمک‌های نظامی رایگان برای یک‌تعداد از کشورهای این قاره را اعلام نمود. وی گفت: «چین شروط سیاسی را وضع نموده و در تعاون‌اش با افریقا در پی تلاش هیچ‌گونه سوء استفاده یا برتری جوئی نیست.» این گفته‌ها اشاره‌ای بود به آن‌چه که کشورهای غربی وقتی بر کشورهای افریقائی فشار می‌آورند تا سلطهٔ خویش را بر ایشان تحمیل نموده و به‌خاطر ورود شرکت‌های خود و چپاول دارائی‌های‌شان این کشورها را تهدید می‌کند و باز به دروغ بوق و کرنای ادعای احترام به حقوق بشر، کار برای آزادی، دموکراسی، رعایت شفافیت، مبارزه با فساد و... را سر می‌دهند.

چین اعلام می‌دارد که از این شعارهای دروغ سوء استفاده نموده و ادعای می‌نماید که هدف خاصی ندارد تا این که این کشورها دلهره نگرفته و نگران نباشند و تا این که مردم فکر کنند یک استعمار جای‌گزین استعمار دیگر می‌گردد و اصحاب نفوذ امریکائی و اروپائی از این که چین تلاش نمی‌کند تا جای‌شان را بگیرد، مطمئن شوند تا نشود بر عناصر چین فشار آورده و روابط خود را با اوشان محدود کنند.

چین به نرمی، بدون سروصدا و بدون تصادم با کسی برای نفوذ بر افریقا کار می‌کند و اگر در کاری کسی از وی انتقادی کند، از آن عقب‌نشینی نموده و یا هم آن‌را توجیه می‌کند که هدف‌اش این بوده؛ نه آن چیزی که در انتقاد وارد شده است.

حکام آفریقا برای سرپوش نهادن مزدوری خویش به غرب، به کمک‌های چین ضرورت دارند؛ ولو که ناچیز باشد؛ مانند بازگشائی راه‌ها و کانال‌های آب، ساخت تأسیسات عامه، سدها، پُل‌ها، راه آهن و اشتغال‌زائی با دست‌مزد کم. باید متذکر شد که با وصف این همه، چین بیش‌ترین سود را از این رابطه می‌برد.

ارقام تبادله تجارتي بين چین و آفریقا از 765 ميليون دالر در سال 1978م به 170 ميليارد دالر در سال 2017م صعود کرده است و این ارقام معادل 10 درصد از صادرات جهانی چین است. چین پروژه‌ها را تأسیس نموده و در طول ده‌ها سال از آن سود می‌برد و از عواید آن‌ها مستفید می‌گردد؛ به اضافه‌ای بازگشائی بازارهای آفریقائی برای تولیدات ارزان خود که از این نیز سود زیادی نصیب گردیده و تجارت خود را فعال نگهداشته است. چین به خرید زمین‌های زراعی برای تولیدات زراعتی که از آن برای تأمین بازارهای داخلی خود بهره می‌برد، پرداخته است. هم‌چنان نفت، گاز و معادنی را که برای صنایع خویش از آن سود می‌برد، از آفریقا تأمین می‌کند.

چین معاصر، سیاست خود را در آفریقا بر اساس سیاستی که مؤسس آن "مائو" در دهه 60 قرن گذشته به تقویۀ روابط هم‌مرای کشورها برای ایجاد نفوذ جهانی برای خویش در پیش گرفته بود، تعقیب می‌کند. این کشور سیاست مبدئی که توأم با اهداف حاکمیت ملی برای رقابت با اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا؛ دو کشوری که با توافقی در سال 1961م انزوای جهانی چین را رقم زدند، در پیش گرفته است. آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی که طبق توافق‌نامه سال مذکور برای تصفیۀ استعمار اروپائی توافق نمودند و آفریقا را در بین خویش تقسیم ننموده و آن را در عرصۀ رقابت گذاشتند، چین برای گسیختن انزوای خویش از این فرصت استفاده نموده و به‌منظور رسیدن به کشوری مؤثر در جهان، به نشر افکار و ایجاد نفوذ جهانی برای خویش پرداخت.

مگر اکنون سیاست چین منفعتی بوده و با اهداف حاکمیت ملی عجین شده است و پس از مرگ مؤسس خود با سیاست مبدئی خویش وداع کرد و بر روابط منفعت مادی و ملی تمرکز کرد. پس از موت مؤسس‌اش در سال 1978م، سیاست "اصلاحات و درهای باز" بر اساس ساخت اقتصاد قوی برای ایجاد چین قوی و مؤثر در سیاست خارجی را اتخاذ نمود.

برای یافتن منابع انرژی و مواد خام زیاد، که به میزان زیادی به آفریقا در دسترس است و به همین دلیل آفریقا در گذشته و در حال حاضر محل نبرد جهانی استعمار است، چین وارد آفریقا شد. تشدید نبرد بین آمریکا و اروپا، چین را در این عرصه کمک نمود؛ زیرا هر کدام از این دو قدرت علیه آن دیگری تلاش می‌نمود؛ چون تمرکزشان به تجارت به آفریقا بود و هرکدام از طرفین، مزدوران خود را برای ایستادن در مقابل نفوذ دیگری آن تقویت می‌نمود؛ مثلاً می‌بینیم که آمریکا از "اتیوپی" برای تقویۀ مزدوران خود در مقابل نفوذ انگلیس استفاده نموده و انگلیس از "کینیا" برای تقویۀ مزدوران خود در مقابل نفوذ آمریکا بهره برده و در سایر کشورهای آفریقائی نیز چنین است.

چین تنها به در آمد تجارتي اکتفا ننموده؛ بلکه بر اساس استراتژی سیاسی، روابط تجارتي خویش را توسعه داد؛ قروض درازمدت و کمک‌ها را برای کشورها اعطاء نموده و در عین زمان از آن کشورها بهره‌کشی درازمدت می‌کند و بر بهره‌کشی

از آن کشور اشراف داشته و برای حصول دیون خویش، دارائی‌های مردم را به یغما می‌برد، و نیز آن کشورها را در طولانی مدت تحت تأثیر خویش در آورد. به همین ملحوظ دیون افریقا از چین از مرز 132 میلیارد دالر گذشته است.

این اسلوب استعماری امریکا است که پس از سال 1946م و در آغاز پیش گرفتن سیاست درهای باز با ساخت پایگاه‌ها، انعقاد پیمان‌های نظامی، توسعه روابط سیاسی متمیز همراهی کشورها، خود را در ظاهر مقدس جلوه داد؛ ولی برنامه‌های خبیثانه‌ای را برای تسلط و گسترش نفوذ بالای آن کشورها داشت. به این ترتیب چین پس از اقتصاد، در جستجوی ساخت پایگاه‌ها و پیمان‌های نظامی بر آمد و نخستین آن را در جیپوتی تجربه کرد. چین در پی توسعه روابط سیاسی همراهی کشورهای افریقائی است که در این روابط خود را معصوم جلوه داده؛ ولی اهدافی خبیثانه دارد.

چین حتی گسترش روابط فرهنگی و آموزشی را با فراهم کردن بورسیه‌های تحصیلی برای دانش آموزان افریقائی در نظر گرفته است و هم‌چنان برای روزنامه‌نگاران، هنرمندان، پزشکان و دانشگاهیان زمینه تبادل دیدارها بین فعالیت‌های مختلف آموزشی و فرهنگی را برای یافتن دوستان و هواداران شان، مساعد نموده است؛ دوره‌های آموزشی را راه‌اندازی نموده و مراکز آموزش زبان چینی را بازگشائی کرده است. این اسلوبی است که امریکا نیز در پیش گرفته بود و چین گویا اسالیب امریکائی را تقلید می‌کند؛ چنان‌چه در زمینه صنعت از آن کشور تقلید نمود.

چین فعالیت‌های سیاسی را آغاز کرده است؛ چنان‌چه در روند صلح جنوب سودان شرکت کرد و وقتی انگلیس مزدور خویش "موگابه" در "زیمبابوه" را پس از اعتراض‌های ملی و بین‌المللی و به‌خاطر رشد روزافزون نفوذ امریکا توسط اردو کنار زد، معاونش "منانگاگوا" را به‌تاریخ 24 اکتوبر 2018م توسط انتخابات تعیین نمود. انگلیس برای وقایه از نفوذ امریکا "منانگاگوا" را مجبور نمود تا همراهی چین پیمان همکاری استراتژیک را امضاء کند.

چین در حالی وارد افریقا شده است که با خود پیامی جهانی ندارد. این کشور برای اقتدار طلبی‌ای تلاش می‌کند که بیش‌تر شبیه استعمار بوده؛ ولی بدون پیام و شعار، کاری که غرب انجام می‌دهد. چین ایجاد تأثیر سیاسی و تحقق منافع اقتصادی خویش را جستجو می‌کند؛ چه سود تجارتي باشد و چه هم پروژه‌های درازمدت و یا هم تأمین منابع انرژی، مواد خام، اعطای قروض، تحکیم روابط همراهی نظام‌ها. این کشور به رعایت احوال مردم، حل مشکلات، اعطای حقوق‌شان، پیشرفت کشور و آزادسازی‌شان از حلقه استعمار توجهی ندارد. پس وجودش مؤقت بوده و پس از برپائی دولت خلافت که حامل پیام خیر به جهانیان و سعادت ملت‌ها است، امکان ازاله سریع آن است، مخصوصاً این‌که اکثریت ملت افریقا مسلمان بوده و به سرعت همراهی دولت خلافت هماهنگی خواهند کرد و یک‌تعداد جمیعت افریقا ملحد اند که وقتی نور اسلام را نظاره کنند، به سرعت اسلام خواهند آورد. یک‌تعداد دیگر توسط استعمار مسیحی شدند، وقتی تطبیق اسلام را به شکل نیک آن شاهد باشند، همراهی اسلام همگام خواهند شد یا اسلام آن‌ها را قناعت خواهد داد و یا هم برای رهائی از طعم تلخ تجربه استعمار و ستم مزدورانش، داوطلبانه در برابر اسلام سر تسلیم را فرود خواهند آورد.

برگرفته از جریده الرابیه

نویسنده: اسعد منصور

9 محرم 1440 ه.ق

19 سپتمبر 2018 م